جهانگیری :شهر را به مافیا واگذار نکنیم!

درخواست یک شهروند

ای ریخته اشک پا به پای مردم!
کرده ست دلت باز هوای مردم؟
لطفا بگذارید بماند دیگر
یک بازی مافیا برای مردم

سارا رمضانی

با بدن خطاب به نتانیاهو:
گنبد آهنین را برایت تقویت می‌کنیم

داروی تقویتی

شنیدم که گشتی تو از حفره پر
دچاری به بیرون‌روی، شُر و شر
دوایت به دست من است ای لگن!
شبی یک عدد قرص آهن بخور!

زاهده شاد

رشد نرخ بهره‌وری به منفی ۶ درصد رسید!

دربی‌باز

دوش آمد به گوش من خبری
خبر از فتح تپه دگری
شیش تا خورده است دولت‌مان
توی دربی ز تیم بهره‌وری!!

مهدی امام رضایی

سمیه قربانی

مصاحبه با مرد بحران‌ها

بغض در افق

- سلام آقای جهانگیری!
-آقای جهانگیری!! آقای جهانگیری ... چیزی شده؟
+ اجازه بدید بغضم رو قورت بدم یه دونه بزن پشتم داره خفم می‌کنه.
-گورررروپ ...رد شد؟
+ آره خداروشکر یه لحظه تصویر یه کولبر اومد جلوی چشمم حالم بد شد.
- فعلا که رفع شد خداروشکر. در خصوص توئیتی که زدید و گفتید می‌خواهید از عواملی که بحران‌های امروز ایران رو به وجود میارن صحبت کنید. آخرشم گفتید به قصد افق‌گشایی اومدید. یه توضیحی میدین در مورد این توئیت!
+ بله! بحران‌های امروز ایران دیگه مثل کره نیستن که حل نشده باشن البته الان دقیق نمیدونم کیلویی ۱۰۰تومنه یا چند! به هر حال ...
- من دیشب پرسیدم راسته بازار کیلویی ۸۰ هزار تومن
+ خوب گرفتی، من خودم میگیرم ۱۰۰ تومن کره شم نصفش آبه! سپردم بچه‌های کولبر از اون ور بیارن ارزون‌تره
- داشتید در مورد بحران‌ها و برنامه‌هاتون می‌گفتید.
+ آهان بله! قصد من افق‌گشایی هست خصوصا برای اون کولبری که همش افق چشمشو می‌زنه، دیدید که... (بغض می‌کند و چشم‌هایش را فشار می‌دهد)
- در نمیاد؟
+ نه لامصب بحران خشکسالی هم به مشکلات اضافه شده.

محمد محمدی

هنر بازیگری

برشی از یک فیلمنامه

روز/داخلی/جلسه هیأت دولت
رئیس‌جمهور(رو به دوربین): دلیل این‌که مردم به ما اعتماد دارند این است که می‌بینند در شرایط تحریم در تابستان برق‌شون قطع نمیشه...(یک نفر از عوامل پشت‌صحنه دست‌هایش را به حالت ضربدری به نشانه کات به رئیس‌جمهور نشان می‌دهد ولی او اهمیت نداده و همچنان ادامه می‌دهد)
رئیس‌جمهور: برای این‌که مردم می‌دونند در شرایط سخت کرونایی آب‌شون قطع نمیشه....
(همه عوامل پشت‌صحنه دست‌های‌شان را به حالت ضربدری به نشانه کات نشان می‌دهند)
رئیس‌جمهور(با عصبانیت): چی شده باز! مُردم تا تونستم انقدر باورپذیر دیالوگ بگم!
(صدایی از خارج‌صحنه): قربان برق لوکیشن قطع شده! اصلاً دوربینا چیزی ضبط نکردن!
رئیس‌جمهور(با عصبانیت): چی! اون گالن بنزین رو سریع بیار!
(صدای پشت‌صحنه با نگرانی): قربان نکنید این کار رو! به‌خاطر یه برق‌رفتن می‌خواهید وزیر نیرو رو آتیش بزنید؟!
رئیس‌جمهور: چی میگی! برو این گالن رو پر آب کن تا آب قطع نشده...

امین شفیعی

#ما

ما چگونه ما شدیم؟

فرزندم! حال که این نامه را می‌خوانی من دیگر نیستم. نه اینکه نباشم، هستم. کاره‌ای نیستم! یک گوشه نشسته‌ام و مجمع تشخیصی می‌روم و تاریخی تحریف می‌کنم برای خودم. نمی‌دانم، شاید دوباره نامزد شوم محدودیت سن اگر بگذارد!

فرزندم! بر آن باش تا در زندگی همیشه بگویی ما و نگویی من. همیشه ما باش و ما بودن را بیاموز. با رفیقانت از منی بپرهیز و مایی پیشه گیر اونچنان که من در این ۸ سال بودم و خداییش آنان نیز هیچ فرو نگذاشتندم از مایی! از تصویب و توئیت و سکوت.

فرزندم!
همچنان که با رفیق، ما شدی از رفیق بر حذر باش که نامردها این آخر کاری پررو پررو منکرم شدند و در انکار رفاقت من، گوی می‌ربایند و همه را ول‌شان کن این اسحاق نمی‌دانم چجور رویش شده همه چیز را گردن من بیندازد!

فرزندم!
آن چوب‌های روی پاتختی را بده!

ابوالفضل سلیمانی

فرزانه صنیعی

درست اعتماد کنید

من از همین تریبون اعلام می‌کنم اعتمادی که با وصل شدن برق بیاید و با قطع شدنش برود اعتماد نیست. آیا شما به خاطر برق به آقای روحانی اعتماد کردید؟ الان اعتمادتان سلب شده دیگر؟! لابد از این به بعد هم باید هرجا می‌رود برای‌تان عکس و لوکیشن بفرستد؟ انقدر دل‌تان برق می‌خواست خب می‌رفتید به بابابرقی رای می‌دادید. متاسفانه بعضی از مردم به بلوغ سیاسی نرسیده‌اند و تصورشان از رئیس‌جمهور در حد یک مامور اتفاقات برق است. در حالی که رئیس‌جمهور باید پیگیر مسائل کلان و بنیادینی مثل دیوار نکشیدن در پیاده‌روها باشد. شما فکر کن برق‌تان همیشه وصل باشد و اصلا سرریز شود ولی پیاده‌روها دیوار داشته باشد. آدم دارد راه می‌رود یکهو توی پیاده‌روی مقابل یک آشنا می‌بیند. می‌خواهد برود طرفش سلام و علیکی بکند که یکدفعه ترق می‌خورد توی دیوار، دماغش می‌شکند. این‌طوری خوب است؟ حالا باز یک عده بهانه‌گیر می‌آیند گیر می‌دهند که تو از پشت دیوار چطوری آشنایت را دیدی. می‌بینید شما را به خدا؟ به روابط شخصی آدم هم کار دارند!

#اعتماد

مردم به ما اعتماد دارند چون برق‌شان قطع نمی‌شود

حسن روحانی

۱۳۹۹/۶/۲۳

محمد کوره‌پز

اعتماد داریم مثل چی!

هرچند مردم برای اعتماد به دولت معطل برق نیستند. منتها ما محض اطمینان بین مردم رفتیم تا نظرشان را بدانیم:
خانم گیر کرده در آسانسور: ما آقای روحانی رو از تخم چشم‌مون بیشتر قبول داریم. وقتی ایشون میگن برق نمی‌ره یعنی آسانسور باتری خالی کرده. شما بی‌زحمت یه هل بدین روشن میشه.
آقای یک‌وری ایستاده در خیابان: دولت عشق منه داداش. من گلاب به روتون دستشویی بودم، پمپ آب آپارتمان خاموش شد. به کوری چشم مخالفان دولت با ایزی‌لایف اومدم بیرون.
جوان دم وزارت ورزش: متاسفانه داور با بلغارها بود تا با قلعه کیش دادم دوشاخه رو کشید. فکر کردن اعتماد ما به دولت با این کارا چیز میشه.
خانم مسن کنار آرایشگاه: قرار بود با ناهید اینا بریم عروسی آبجیش. آرایشگر که نامزد قبلی داماد بود نامردی کرد. اگرنه برق بود، من هم ۲۰ سالمه، به دولت هم مثل چی اعتماد دارم.

#مردم

محدثه مطهری

برق‌هایش!

یک نفر توی چاه، برقش رفت
یک نفر بین راه، برقش رفت
در میان طویله‌ای گاوی
حین نشخوار کاه، برقش رفت
طبق برنامه نیست رفتن آن
کاملاً اشتباه برقش رفت
یک نفر در رقابتی حساس
وقت کیشی به شاه، برقش رفت
زل زده او به صفحه‌ای خاموش
می‌کند هی نگاه، برقش رفت
یک نفر مانده توی آسانسور
و یکی مستراح، برقش رفت
وسط امتحان آنلاینی
یک نفر شد تباه، برقش رفت
در هوایی که اینچنین گرم است
کولرم رو سیاه، برقش رفت
بگو ای شیخ، پنت‌هاوس تو هم
که پر است از رفاه، برقش رفت؟
شده روشن اتاق من با یک
شمع و نوری ز ماه، برقش رفت
من میان نوشتن شعرم
که به ناگاه، آه... برق آمد

الهه جاودانی

سید محمد صفایی نویسی

آن من کو؟!!

دولت خبر ز راز نهانم نمی‌دهد
عکس مرا گرفته نشانم نمی‌دهد

بسیار وعده داده مرا عرشی‌ام کند
از روی فرش خانه تکانم نمی‌دهد

بر چشم ما نشانده فقط سوز و اشک و آه
آه از زمان، زمانه زمانم نمی‌دهد

وقت شکار آمد و در لحظه شکار
فرصت به رقص تیر و کمانم نمی دهد

می خواستم که هجو کنم این فخیمه را
مهلت به ذوق و طبع روانم نمی‌دهد

من مرده و تو زنده مخوان اسمع افهمت
دستی بدون رشوه تکانم نمی‌دهد

رفتم که با نگار خودم گفت‌وگو کنم
راه گلو گرفت و امانم نمی‌دهد

از من گرفته لذّت شور و جوانی ام
اینم گرفته از من و آنم نمی‌دهد

پیری فرا رسیده و دیگر کسی مرا
یک همسر قشنگ و جوانم نمی‌دهد

فرشته موسوی

شکاف؛ دقیقا از وسط

کوچکی به بزرگی رسید و مایه‌ی فراوان برهم زد. کف مرتبی زد و ملازمان چونان اسمیگل ارباب حلقه‌ها ظاهر شدند. دستور اکید داد به پاکسازی رعیت، و اینکه دیگر این دور و برها رعیت معیت نبینم. ملازمان چون این سخن نیک بدیدند، بر تجهیز ولنجک و حومه شتافتند و لاس‌وگاسی چند بنا کردند. حال آنکه لاس‌وگاس به این مفتی‌ها در نمی‌آمد و حاصل نمی‌شد.
هرچه رعیت، فقیرتر، محله حاکم، لاس‌وگاس‌تر. در وصف محله اینکه تره‌بارش فقط گوجه گیلاسی عرضه می‌نمود با ارز غیردولتی! یا خیارهایش که از موز، موزتر بودند.
حال آنکه در محلات سفلی رعیت را توان خیار سالادی هم نبود.
عوضش تا چشمان حاکم کار می‌کرد شاسی بود و دوبلکس و از هرچه رعیت و اینجور اعصاب خردکن‌ها پاک بود.

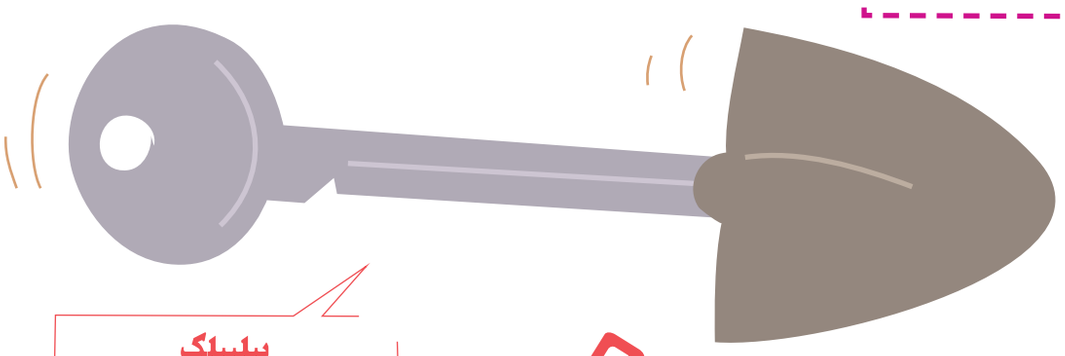

صادره حبیبی

روحانی: ما دو تا بیل می‌خواستیم یکی برای اینکه کمر کرونا بزنیم و یک بیل هم برای آنکه به کمر تحریم بزنیم که هر دو بیل را پیدا کردیم

ابابیل

بخواند تازگی آواز با بیل
که کرده اینچنین اعجاز با بیل؟

موقت گوش ها تان را بگیرید
حسن جان می‌نوازد ساز با بیل

جناب شیخ فرموده جدیدا
مداوا می‌شود امراض با بیل

برای رد شدن از روی هر کود
به سرعت می‌کند پرواز با بیل

کنار نمره های منفی خود
گذارد نمره ممتاز با بیل

تخصص های نامعلوم دولت
چه راحت می شود احراز با بیل

ببین آرایشش را نزد دشمن
کبوتر با کبوتر باز با بیل

به کشتن دادن برجام کم بود
چنین شد هسته ای جانباز با بیل

اگرچه با کلیدش داد ویراژ
دهد این دفعه قدری گاز با بیل

به پایان آمده دولت ولی شیخ
تهش را می‌کند آغاز با بیل

بیلبیلک

ای بانی این بساط هردمبیلی
سرخ است به لطفت رخ‌مان از سیلی
بعد از دو هزار و نهصد و اندی روز
دنبال گره‌گشایی با بیلی؟؟؟!!!

فرشته پناهی

آیا برق واقعاً قطع شده؟

هنوز قطعی ندیدی...

اگر کمی عمیق‌تر به امور هستی بنگریم، متوجّه می‌شویم که اتّفاقاً برق در کشور ما قطع نشده و حرف رئیس‌جمهور درست است و این وسط یک عدّه دلواپس قصد دارند با سیاه‌نمایی دم انتخاباتی، دولت محبوب قلب‌ها را خراب کنند.
در واقع برق برای مدّت کوتاهی تصمیم گرفت در سیم بعضی منازل و مناطق جریان پیدا نکند و عدّه‌ای این تصمیم را به قطعی برق تعبیر کردند، در صورتی که قطعی برق یعنی این که کلّاً از بیخ بیایند و سیم‌های منزل شما را از جا بکنند و کنتور شما را هم با پتک خرد کنند، هر وقت دولت همچین کاری کرد، آن‌وقت بگویید برق قطع شد.
با این نگاه که به هستی بنگرید، می‌فهمید مثلاً چیزی گران نشده، فقط اجناس، دیگر با قیمت قبلی به فروش نمی‌رسد، یا مثلاً بورس ریزش نکرده، فقط... فقط... حالا اصلاً هر کوفتی که شده، فقط می‌دانیم ریزش نیست، فراز و نشیب است.

ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نثر: **فیروزه کوهیانی**
دبیر سرویس شعر: **مهدی امام‌رضایی**
دبیر سرویس کارتون و فنی:
سید محمدجواد طاهری

راه‌های ارتباطی
ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!